

یادداشت

ما را به سخت جانی خود این گمان نبود

کنند»

البته ما هم در این گوشه از دنیا مانیز وضع وحال خوبی نداریم. وقتی پارسال بعد از چند وقتی دوری عاملدانه از دنیای خبرنگاری روزنامه‌نویسی دوباره پای به این زادی گذاشتم، اولین چیزی که به چشمم خورد، تغییراتی بود که در این وادی رخ داده بود. زمانی نه چندان دور روزنامه‌نویسی حسن و حال دیگری داشت. فضایی شاداب، پرهیجان، پربانگیزه، پر مخاطب و موثر. باز تاب‌های گاه‌حیرت‌انگیز یادداشت‌ها، مقاله‌ها یا گزارش‌های روزنامه‌نویسان بهترین انگیزه بود برای ادامه راه. بسرای فراموش کردن این که روزنامه‌نگاری چه کار بی اجر و مزدی است. این که می‌دیدید حرفت شنیده می‌شود، می‌توانی تاثیر بگذاری یا حداقل این که بحث ایجاد کنی، خود مرهمی بود بسرای نادیده گرفتن زخم‌ها و زخم‌زبان‌ها، حتی از خودی‌ها (مادر همین روزنامه‌مدبری داشتیم که در جلسه با خبرنگاران بهشان می‌گفت خبرنگار باید گرسنه باشد و بی‌پول بماند)؛ امروز روز ما امدر شرایطی که بحران کاغذ و نبود خواننده و مر جعبت فضای مجازی بود و نبود روزنامه‌ها را با تردید مواجه کرده‌د. در جایی که خود روزنامه‌نویس‌ها هم دیگر رغبتی برای دیده شدن و موج‌ساختن و دستمال بستن به سری که درد نمی‌کند، ندارند؛ در وضعیتی که غم نان و امنیت شغلی اولویت اول روزنامه‌نگاران را حفظ جایگاه شغلی‌شان و پرهیز از هر ریسک و خطری کرده؛ فکر نمی‌کنید گفتن و نوشتن از روز خبرنگار به‌نحو طعنه‌آمیزی بی‌معنا باشد؟ یک‌زمانی جورج اورول (ظاهر) چیزی گفته در این مایه‌ها که «کار روزنامه‌نگار نوشتن چیزهایی است که نباید نوشته شود. بقیه‌اش دیگر بر تاز آگهی است». این خود به بهترین شکل نشان می‌دهد که چرا به این حال‌روزر افتاده‌ایم و البته وامی‌دارمان به روشنی و صراحت از خودمان بپرسسیم که «با کاری که ما در این روز و روزگار داریم انجامش می‌دهیم، روزنامه‌نگاری است؟»...

یادداشت یک

روز خبرنگار را به دیپلمات‌های کشورمان تبریک می‌گویم!

ولی اگر بود بیفتند که افتاد- پیش از حادثه تلخ و گزنده ۱۷ مرداد در کابل رخ می‌داد؛ این‌گونه نام‌گذاری روزی به نام خبرنگار، به عدالت نزدیک‌تر بود. گرچه که فکر می‌کنم برای جابه‌جایی روز خبرنگار هنوز هم دیر نیست-ا همه موارد فوق را نوشتیم که بگویم، ترجیح می‌دهم روز خبرنگار رانه به خودم و همکارانم که به دیپلمات‌های کشورمان تبریک بگویم. روز-تان مبارک!

یادداشت ۲

کاش من هم «لینزی» بودم

همه‌اش اما اینها نیست؛ لینزی آداریو یکی از صدها عکاس یا خبرنگاری است که نامش بر سر زبان‌ها افتاده، یکی از صدها خبرنگار زنی که موقع رفتن به ملوریت، موقع فرار دادبستن و موقع حمایت‌شدن بدون آن که جنسیتش مهم باشد، به دل خطر می‌روند و البته نه جایی که ششده، حمایت می‌شوند. اگر برای من مانند لینزی بودن، یک بدغدغه است و انگیزه‌ای است برای تلاش، مانند خبرنگاران خارجی بودن برای مسا، برای همه ما خبرنگاران داخل ایران یک حسرت همیشگی است؛ برای ما که ۱۲، ۱۰ سال، ۲۰سال کار کردیم و نصفش را هم بیمه‌تفرغتی‌برای ما که نوشتن و به‌دست‌آوردن اخبار دست‌اول از منابع دست‌اول گاه‌به‌تمام‌شدن کارمان و گذراندن روزها جایی غیر از خانه‌هایمان رسید، برای ما که حمایت کردیم و حمایت نشدیم و برای ما که حالا با رقیب‌های قُدر مجازی با چنگ و دندان تلاش می‌کنیم مردم را به خودمان نگه داریم و حتی از تهمت‌های بعضی‌ها که مسا رانه روزنامه‌نگار، بلکه «روزماله‌نگار» نهادهای دولتی می‌دانند، دل‌آزرده نشویم؛ چه سخت‌است اما، چه سخت.

یادداشت ۳

برای خواندن هم پول بدهیم!

ناچیزی کف‌دست یک رسانه بگذارند و قلم‌های آن را به‌سود خود بخرند. احتمالاً همه شما می‌دانید که هیچ مخاطب آزاداندیشی قلم‌فروشی را نمی‌پسندد. احتمالاً همه شما می‌دانید که رسانه قلم‌فروش میدان را برای فساد و نرذلی‌ها و اختلاس‌ها باز می‌کند و در این فضا مدیرانی هم پیدا می‌شوند که به راحتی حقوق عموم مردم را نادیده می‌گیرند.

یادداشت ۴

هنوز می‌شود تاثیر گذار بود؟

است خبرنگاران و روزنامه‌نگاران افراد ناشناسی را بزگ می‌کنند، به صدر اخبار می‌نشانند و تحولی در زندگی‌شان ایجاد می‌کنند و ممکن است بزرگانی را هم به خاک‌نشانند و این قدرت، حساسیت این حرفه را مدام هشدار می‌دهد. یکی دیگر از موارد تاثیر گذاری به‌نظرم تاثیر پیشینی است؛ یعنی مسئولان و افراد تصمیم‌گیری، کار یا تصمیم نادرستی و حتی گاهی درست را انجام نمی‌دهند، چون از پیش با واکنش خبرنگاران آگاهند و همین، یکی دیگر از جنبه‌های تاثیر گذاری است. علاوه‌بر این احتمالاً در زندگی خاطرات هر خبرنگاری، اثری از تاثیر گزارش‌ها و نوشته‌هایش وجود دارد؛ تاثیری که اگر چه از طرف مردم و مسئولان به فراموشی سپرده شود، اما به راحتی از ذهن خبرنگار پاک نخواهد شد.

در روزهای پس از بروز یک حادثه، کودکان به حمایت و مراقبت بیشتری نیاز دارند. ممکن است خیلی بترسند و فشار زیادی به آنها وارد شده باشد.



انتشار «خوشم‌میاد» حمید هیراد

تک‌آهنگ جدید حمید هیراد با نام «خوشم‌میاد» منتشر شده‌است. هیراد در ادامه فعالیت‌هایش قطعه ریتمیک و شاد «خوشم‌میاد» را با ترانه و ملودی خودش منتشر کرد. تنظیم این قطعه توسط امیر میلاد نیکزاد و میکس و مسترینگ آن توسط رضا پارسیان انجام شده‌است. این خواننده درباره این آهنگ در صفحه اینستاگرامش نوشته‌است: «آهنگی که برای تمام عاشقای دنیا خوانده‌مش و با جذاب‌ترین حس‌های دنیا تقدیمش می‌کنم به همه کسانی که عشق حرف‌اول زندگی شونه... و هیرادی که به شدت حال خوب تون آرزوشه.»

۸ ویژگی «گزارشگر خوب» از نظر محمد جعفر صافی

• گزارشگر با بد اطلاعات کافی در زمینه آن ورزشی که می‌خواهد گزارش کند، داشته باشد.

• گزارشگر باید از قدرت بیان کافی برخوردار باشد؛ چیزی که در واقع عامل از تباطی او با مخاطب است.

• گزارشگر باید خودش را با شیوه‌های گزارشگری در برنامه‌های رادیو و تلویزیون تطبیق دهد.

• گزارشگر باید در امر گزارشگری عادل باشد. چون اگر این‌طور پیش نرود با بی‌مهری طرفداران مواجه می‌شود.

• گزارشگر نباید خیلی به مانیتور مقابلش تکیه کند. چون بازی‌ای که از طریق تلویزیون پخش می‌شود، انتخاب کارگردان است.

• گزارشگر باید در زمان مسابقه سکوت را فراموش نکند. چون گزارشگر تلویزیون چیزی را که می‌گوید، باید ارزش گفتن داشته باشد؛ اگر ارزش ندارد، بهتر است که سکوت کند.

• بعضی از مخاطبان تخصصی در رشته ورزشی دارند و بعضی هم آدم‌های عامی‌اند که تخصص خاصی در مورد رشته ورزشی ندارند. گزارشگر باید طوری آموزش ببیند که هم مخاطبان متخصص را ارضا کند، هم مخاطبان عام را.

• کسی که گزارش می‌کند باید این‌قدر مهارت داشته باشد که به درستی الفاظ را روی مسابقه بنشاند که اگر هم تکرار مسابقه پخش شد، مخاطبان پی ببرند که کلمات درست به کار برده شده؛ طوری که انگار از قبل نوشته شده است.

۵ انتقاد به گزارشگران

• زمانی اصطلاح «میریم که داشته باشیم» خیلی مصطلح بود. به صورت جدی با آن برخورد شد. به طوری که این اصطلاح دیگر محو شده است.

• الان در گزارش‌ها اصطلاح «شکل می‌گیرد» را زیاد می‌بینیم. این خیلی بد است. باید از ترکیب‌های مترادف استفاده کرد.

• باید توجه داشت که نباید از گزارشگرهای جدید در مسابقات به‌طور کامل استفاده کرد؛ به‌الاخص در مسابقات بسیار مهم.

• بعضی از فریادهای غیر ضروری ممکن است باعث عصبانیت مخاطب شود. اگر در زمانی که گل می‌شود، ما مدام فریاد بز نیم «توی دروازه»، قاعدتا طرفداران تیمی که گل خورده است، از تکرار این ترکیب عصبانی می‌شوند.

• بعضی از گزارشگرها یاد گرفته‌اند که از واژه‌های خارجی استفاده کنند و فکر می‌کنند این کار سطح گزارش‌شان را بالا می‌برد؛ در صورتی که این کار اشتباه است. وقتی از «کلین شیت» استفاده می‌شود، بخشی از مخاطبان ما که زبان انگلیسی نمی‌دانند، اذیت می‌شوند.



می‌دهند، او به‌عنوان یک خط‌کار شناخته می‌شود و در رسانه نباید تشویق شود. گزارشگران باید توجه داشته باشند که اصولی‌رادر گزارش‌شان رعایت کنند، مهم‌ترین اصل‌ها هم این است که باید در امر گزارشگری عادل باشند، چون اگر این‌طور پیش نروند، بی‌مهری طرفداران فوتبال مواجه می‌شوند.

• گزارشگر محبوب شما؟

خیلی از این بچه‌ها در مجموعه من در آن مقطع رشد کرده‌اند و مثل یک پدر به آنها نگاه می‌کنم و نمی‌توانم در این مورد اظهار نظر کنم.

• گزارش به یادمانندی؟

گزارش ایران و استرالیا به‌نظرم گزارش زیبایی بود. گزارش‌های دیگری هم از عادل فردوسی‌پور و مزدک میرزایی هست. یادم می‌آید وقتی سفری به استرالیا داشتیم، از شبکه‌های که این بازی را پوشش داد، بازدید کردم. آن شبکه برای پوشش بازی ایران و استرالیا به دلیل جذب مخاطب زیاد تدبیس گرفته بود. من تهیه‌کننده آن مسابقه را دیدم. او گفت وقتی بازی تمام شد، می‌خواستیم با بازیکنان تیم استرالیا مصاحبه کنیم، اما بعد از بازی همه بهترین‌ده بودند و در آخر تصمیم گرفتیم که با بازیکنان ایران صحبت کنیم.

• می‌توانیم برای گزارشگران سبک قابل شویم؟ شما در دوره مدیریت‌تان سعی کردید که سبک خاصی را ترویج دهید؟

ما روی این بحث که هر کس سبک خاص خودش را داشته باشد، برنامه نداشته‌یم. الان بعضی از گزارشگرها برای این که متفاوت شوند، رفتارهای خاصی از خود نشان می‌دهند؛ مثلا در مورد گزارشگری باید لحن گزارشگر متناسب با فضای رویداد باشد. یعنی فریادهای غیر لازم را نزنند. حس او باید متناسب با حس بازی باشد. بعضی از این فریادهای غیر ضروری ممکن است باعث عصبانیت مخاطب شود. اگر در زمانی که گل می‌شود، ما مدام فریاد بز نیم «توی دروازه»، قاعدتا طرفداران تیمی که گل خورده است، از تکرار این ترکیب عصبانی می‌شوند. گزارشگر باید بتواند لحن بی‌طرفانه و اطلاعات کافی داشته باشد و همچنین لحنش درست باشد. او باید در زمان مسابقه سکوت را فراموش نکند. چون گزارشگر تلویزیون چیزی را که می‌گوید، باید ارزش گفتن داشته باشد؛ اگر ارزش ندارد، بهتر است سکوت کند. سکوت باعث استراحت ذهنی به مخاطب می‌شود. این سکوت در تلویزیون لازم است، اما در رادیو نه.

• لیگ نوزدهم دارد شروع می‌شود. نخستین لیگی است که دو گزارشگر پرفردار را در آن نداریم. اگر بخواهیم گزارشگران جدید را کنار نسل قدیم بگذاریم به چه تفاوت‌هایی می‌رسیم؟

اولا امیدوارم فردوسی‌پور که یکی از سرمایه‌های صداسومیاست به خانه اصلی خود بر گردد. همچنین امیدوارم مزدک میرزایی اگر مسیری که گفته می‌شود را فته، از آن برگردد و کماکان به گزارش‌های خودش بپردازد. چون یکی از گزارشگران بی‌حاشیه ما بوده‌است. ببینید گزارشگری